



بیشتر از یک نفر...

به نام خدا

سلام خدمت شما همراهان عزیز مجموعه بیشتر از یک نفر
من محمد پیام بهرام پور هستم و ازتون عذر می‌خواهم اگر که نتوانستم جای آرام‌تر و مناسب‌تری برای
فیلم‌برداری پیدا بکنم. خب امروز انتخابات نتیجه‌اش مشخص شد و امیدوارم آن‌هایی که همین‌جوری مانده
بودند تا معلوم شود که چکار بکنند خب دیگر الان معلوم شد. اقدام بکنیم، برای خودمان برنامه‌ریزی بکنیم،
برای بهبود خودمان تلاش بکنیم که دنیايمان جای بهتری برای زندگی بشود.

من این را به‌شدت توی جلسات مصاحبه‌ای که با دوستان داشتم، می‌دیدم عزیزانی که توی جلسه مصاحبه و
مشاوره دوره انسان بیشتر از یک نفر و دوره مدرسه استادی می‌آیند این را بارها دیدم که همش منتظر یک
عامل بیرونی هستند حالا ببینیم چه می‌شود؟ حالا بازار عوض می‌شود یا نه؟ حالا رئیس‌جمهور چه می‌شود؟
هی تو فضاهای مختلف این را مطرح می‌کنند و این همش باعث می‌شود که ما بمانیم چون همش منتظر یک
عامل بیرونی هستیم روی خودمان تمرکز نداریم. خودم چقدر تغییر می‌کنم و خب من یک سفری هستم 10
روز دیگر امکان جلسات مشاوره نیست البته شما می‌توانید جلسات مشاوره را درخواست بدهید برای بعد از آن
10 روز و ازتون خواهش می‌کنم اگر بنایتان به شرکت توی یکی از این دو دوره هست و نیاز به مشاوره رایگان
دارید حتماً این تصمیم مهم را بگیرید چون می‌دانم این دوره‌ها رؤیایی هستند و نتایج فوق‌العاده‌ای دارند.

اما برویم سراغ اصل مطلب

من در رابطه با انتخابات موضع خودم را پیش از انتخابات اعلام کردم و توی یک ویدئوی قبلی که لینکش را
پائین می‌گذاریم توضیح دادم خدمت شما اما چند تا نکته را می‌خواهم خدمت شما عرض بکنم نکاتی که واقعاً
اگر به آن‌ها توجه نکنیم هیچ رشدی نکردیم و هیچ تغییری نکردیم و این خیلی خیلی اهمیت دارد.

مورد اول این هست که خب ما حرف زدن را همه ما بلد هستیم حالا برخی خوب برخی بد اما محترمانه حرف
زدن را می‌دانیم که به‌ندرت بلدیم و واقعاً جای خالی آن احساس می‌شود. چرا این را عرض می‌کنم خدمتتان؟
به جهت اینکه شما اگر نگاه بکنید خیلی راحت به هم توهین می‌کنیم، به محض وجود یک مخالفت فوراً توهین
می‌کنیم. من توی یک سفری هستم تو گیت فرودگاه دیدم که کسانی که به‌هرحال نقش بازرسی را دارند
خیلی راحت به خودشان اجازه می‌دهند توهین بکنند به یک کاندیدی، به رئیس‌جمهور و هر کس دیگه. خب
چرا آن قدر راحت می‌توانیم توهین بکنیم و انتقاد داریم خیلی خوبه، خیلی عالی انتقاد داریم به‌جا هم هست
درست انتقاد بکنم و آدم مناسب نه به هرکسی نه توی هر شرایطی.

پس بحث اول بحث محترمانه صحبت کردن است. انتقاد داشتن حق طبیعی ماست می‌توانیم انتقاد بکنیم
منتها به شخص مناسب نه هرکسی، هرجایی و به هر صورت.

مورد دوم بحث بیان اخلاقی هر چیزی هست و بیان درستش نه مصادره به مطلوب کردن و ببینید برخی
خبرگزاری‌ها هستند آن قدر که به خودشان راحت اجازه می‌دهند غیراخلاقی عمل بکنند آدم واقعاً متحیر
می‌شود. مثلاً اگر کاندید مطلوبشان رأی بیاورد می‌گویند مردم نشان دادند که باشعورند، فهمیم‌اند نمی‌دانم
دیگر گول نمی‌خورند این‌جوری هستند اون‌جوری‌اند و اگر آن شخص مطلوب خودش رأی نیاورد می‌گویند
فلانی مردم را گول زد، باز مردم گول فلانی را خوردند. ببینید این درست نیست اگر نتیجه مطلوب ما بود



مردم عاقلند اگر مطلوب ما نبود مردم احمق هستند. در حقیقت این‌ها می‌شود مصادره به مطلوب کردن هر جور که دوست داریم برخورد می‌کنیم و این واقعاً اتفاق خیلی خیلی بدی هست و مراقب باشیم:

1. خودمان این کار را نکنیم؛ یعنی اگر یک کاری را دوست داریم نیاییم هر جور دلمان می‌خواهد استدلال بیاوریم و یادمان باشد اگر کسی این کار را انجام می‌دهد کار درست و اخلاقی نیست این را لطفاً خیلی خیلی بهش دقت بکنید و ببینید چه کسانی از این روش استفاده می‌کنند. این خودش نشان می‌دهد که این‌ها افراد حرفه‌ای یا حداقل سالمی توی کار ارتباطات نیستند و می‌بینیم به شدت این موضوع زیاد است یعنی آن قدر مثال می‌شود راجع بهش زد که واقعاً پایانی ندارد، تمامی ندارد و من نمی‌خواهم مثال بزنم چون متأسفانه خیلی راحت قضاوت می‌کنید بعد می‌گویید بهرام پور این وریه اون وریه به این بی‌احترامی کرد و این‌ها واقعاً نمی‌خواهم ورود پیدا کنم اما این مثال‌ها خیلی زیاد است که اگر چیزی مطلوبمان باشد آن کار درست است مردم فهمیم‌اند اگر مطلوبمان نباشد مردم احمق‌اند درست نیست و این‌ها. این خیلی نکته مهمی است.

و یادمان باشد کلاً هدفمان چیست؟ اگر هدفمان بهتر شدن جامعه است ببینیم با این جور دامن زدن‌ها، این جور برخوردها، این جور رفتارها دنیايمان جای بهتری برای زندگی می‌شود یا نه؟ مسلماً پاسخ منفی است و این اتفاق هیچ‌وقت هیچ‌وقت رخ نمی‌دهد.

نکته سومی که می‌خواهم راجع بهش صحبت بکنم این بحث این هستش که آیا صلاح خودمان را می‌دانیم؟ که حالا می‌خواهیم صلاح دیگران را بدانیم. من دیدم بعضی‌ها به طرز عجیب و غریبی تلاش می‌کنند بقیه را متقاعد بکنند توی صف رأی‌گیری من حدود سه ساعت و نیم مانده بودم و اتفاق جالبی که بود این بود که یک آقای تقریباً این سه ساعت را کامل تلاش کرد که نفر پشت‌سری من را متقاعد بکند که رأی اش را عوض بکند از کس دیگه به کس دیگه رأی بدهد و آن قدر راحت استدلال می‌کرد، آن قدر راحت زیر سؤال می‌برد برای من که سیاسی نبودم می‌دانستم که بسیاری از این حرف‌ها اشتباه هست و آن قدر مطمئن می‌دانست خودش را که من واقعاً وحشت کردم.

من خواهش می‌کنم که این را بدانیم که واقعاً چند میلیارد نفر در طول تاریخ فکر می‌کردند به حق‌اند، فکر می‌کردند درست است کارشان، فکر می‌کردند نه مطمئن بودند کارشان درست است و بعداً فهمیدند که اشتباه کردند. نمونه‌هایش را نگاه بکنیم دیکتاتورهای بزرگی مثل هیتلر و خیلی اشخاص دیگر مطمئن بودند کاری که دارند انجام می‌دهند درست است و از سر خیرخواهی است اما آگاه نبودند به اینکه کارشان چه پیامدهایی دارد و چه ابعادی دارد.

بنابراین همه فکر می‌کنند کارشان درست است و من فقط می‌دانم که انسان‌هایی که واقعاً خرد کافی دارند هیچ‌وقت به خودشان اجازه نمی‌دهند که مطمئن مطمئن مطمئن راجع به چیزی حرکت بکنند، اقدام بکنند و از آن وحشتناک‌تر احساس بکنند که صلاح دیگران و درست دیگران را می‌دانند.



بیشتر از یک نفر...

این نکته خیلی مهمی است که بدانیم لزوماً قرار نیست که ما صلاح دیگران را بدانیم و این نکته خیلی مهم است آیا من مطمئنم خودم به جای درستی دارم می‌روم که حالا می‌خواهم بقیه را هم ببرم. یکی از دلایلی که من اعلام نکردم شخصی را که بهش رأی می‌دهم همین بود از کجا معلوم انتخاب من درست باشد؟ من

خیلی بتوانم خوش‌شانس باشم خودم را بتوانم رهبری بکنم پس لطفاً روی این خیلی دقیق باشیم و آن قدر راحت به خودمان اجازه ندهیم برای همه تجویز کنیم. والدین عزیز راحت تجویز نکنید برای فرزندانان که چی برایت خوب است چی برایت بد است. ممکن است چیزی که برای شما خوب باشد برای فرزندانان افتضاح باشد پس لطفاً روی این دقیق باشیم.

و نکته چهارم بحث اهمیت فن بیان توی مناظره‌ها هست. من دوست ندارم مناظره‌ها را داغ داغ تحلیل بکنم به خاطر اینکه کلی برداشت می‌شود مخصوصاً قبل از انتخابات شاید مناظره‌های 92 را برای شما تحلیل بکنم تا ببینید که در حقیقت چه روندی داشتند چقدر اثرگذار است فن بیان و می‌بینید افرادی که فن بیان خوبی دارند قطعاً برنده مناظرات می‌شوند. حاضر جوابی، متقاعدسازی، استدلال احساسی و خیلی تکنیک‌های دیگر توی جلسات مناظره غوغا می‌کند. من به خرده توی این جلسات بودم و توی فضای سیاسی خب خیلی نزدیک به این فضای انتخاباتی که شما توی تلویزیون مشاهده کردین بودم و تو طراحی‌ش یه نقش کوچکی داشتم و به تجربه دیدم که درست طراحی کردن چقدر اهمیت دارد و ازتون خواهش می‌کنم که حتماً یه وقت خوبی بگذارید برای فن بیان در حیطة تخصصی خودتان چون شما هرچقدر هم که مهارت داشته باشین و اینکه به اندازه کافی فن بیان نداشته باشین، مهارت‌های ارتباطی نداشته باشین نمی‌توانید رشد بکنید و به جایگاه مطلوبتان برسید.

پس یک جمع‌بندی بکنم اول راجع به این صحبت کردیم که ما حرف زدن بلدیم اما محترمانه حرف زدن را اکثرمان خیر.

دوم بحث بیان اخلاقی بود، اینکه اگر چیزی مورد علاقه‌مان بود بگوییم که بله همه کار درست را انجام می‌دهند اگر مورد علاقه‌مان نبود بگوییم که نه آن‌ها احمق هستند و ببینیم که هدفمان چیست اگر کاری که داریم انجام می‌دهیم دنیا را جای بهتری می‌کند یا منافع شخصیمان را داریم فقط لحاظ می‌کنیم؟

نکته سوم این بود که آیا ما صلاح خودمان را می‌دانیم که حالا آن قدر راحت برای دیگران نسخه می‌پیچیم. و چهارمی اهمیت فن بیان بود توی هر فضایی از جمله فضای انتخاباتی.

ازتون خیلی خیلی ممنونم که به این فایل گوش دادین.

امیدوارم پیروز، موفق و بیشتر از یک نفر باشید.

من محمد پیام بهرام پور هستم از مجموعه بیشتر از یک نفر جایی که تلاش می‌کنیم بیشتر و مؤثرتر از یک نفر باشیم تا دنیايمان جای زیباتری برای زندگی بشود.

خدانگهدار